

بررسی فرانش اندیشگانی "خطبه ی حضرت فاطمه (س)" بر اساس دستور نقش گرای هلیدی

زهرا پرنده

چکیده

دستور نقش‌گرای نظام مند «مایکل هلیدی» زبانشناس انگلیسی یکی از مهم‌ترین ارکان زبانشناسی نقش‌گرا محسوب می‌شود که بر اهمیت نقش و معنا تأکید می‌ورزد. این دستورباتکیه برسه فرانش اندیشگانی، بینا فردی و متنی به بررسی متون می‌پردازد. فرانش اندیشگانی مبتنی برشش فرآیند مادی، کلامی، ذهنی، رابطه ای، وجودی و رفتاری است. در دیدگاه هلیدی، متن بر اساس کارکرد این فرایندها تحلیل میشود. در این پژوهش خطبه حضرت فاطمه (س) با توجه به نظریه هلیدی در حیطه فرانش اندیشگانی به منظور دریافت و تعیین فرآیند زبانی خطبه مورد تحلیل قرار گرفته است. پژوهش حاضر تلاش دارد با انطباق این الگو بر خطبه حضرت فاطمه (س) فرایندهای زبانی این خطبه را به شیوه توصیفی-تحلیلی و آماری مورد مقایسه قرار دهد. نتایج پژوهش نشان میدهد که فرآیند ربطی بیشترین فراوانی را دارد. زیرا حضرت فاطمه (س) به عنوان فرد مطالبه گر فدک سعی در روشن‌گری مردم و افشای حقایق رخ داده در آنجا را داشته است. فرایند ربطی بیشترین ظرفیت را برای ابلاغ این امر مهم داراست. فرایند مادی خطاب مستقیم و با استفاده از قدرت انگیزشی به امر و نهی با هدف تاثیرگذاری بر اندیشه مخاطب به کار رفته است. در فرآیند ذهنی مهمترین هدف خطیب توجه دادن مخاطب به خطای فکری و عقیدتی اوست و در جایگاه بعدی به ترتیب فرآیند لفظی، رفتاری و وجودی قرار دارد.

کلمات کلیدی: زبانشناسی نقش‌گرا، هلیدی، خطبه حضرت فاطمه (س)، فرانش اندیشگانی

زبان‌شناسی نقش‌گرا یا زبان‌شناسی کارکردگرا یکی از رویکردهای نظری در زبان‌شناسی است که در مقابل زبان‌شناسی ساختگرا قرار می‌گیرد. «نقش‌گرایی رویکردی است که می‌کوشد تا زبان را در درون خود و به طور ذاتی و برحسب امکانات صوری اش توضیح دهد و نیز در تلاش است تا رابطه اش را با نظام های بزرگ‌تری که آن را در خود گرفته اند مورد مطالعه قرار دهد؛ خواه نظام‌های بزرگ را فرهنگ بنامیم خواه نظام اجتماعی یا نظام های اعتقادی یا چیزی دیگر. خلاصه آنکه مطالعات نقش‌گرای به جستجوی رابط‌های میان زبان و آنچه زبان نیست، می‌پردازد» (فتوحی، ۱۴۷: ۱۳۹۱)

برجسته‌ترین نظریه پرداز این رویکرد مایکل هالیدی است در زبان‌شناسی نقش‌گرایی نظام‌مند هدف اصلی زبان انتقال معنا تلقی می‌شود. برای تبادل معنا است که انسان‌ها از زبان استفاده می‌کنند و از طریق زبان آن‌چه را که در جهان درون و بیرون آنها می‌گذرد بیان می‌کنند. در این نظریه مجموعه‌ای از لایه‌های مختلف معنایی است که با هم در مجموع کار انتقال معنا را انجام می‌دهند. این لایه‌های سه گانه عبارت اند از: نخست لایه معنایی تجربی یا فرنقش تجربی که از طریق آن تجربیات جهان درون و بیرون ذهن انسان منتقل می‌شود و وقایع اندیشه‌ها و حالت‌ها بیان می‌گردد. دوم لایه معنایی یا فرانقش بینا فردی که در آن از زبان برای بیان نظریات و تاثیرگذاری بر افکار و تصورات دیگران استفاده می‌شود. سوم لایه معنایی متنی که در آن پیام در بافت شکل می‌گیرد. (غفاری مهر، ۱۳۸۳: ۳) دستور نقش‌گرایی نظام‌مند هالیدی از همان ابتدا اهداف کاربردی تدوین شده است. به عقیده هالیدی به کمک این دستور می‌توان نتیجه‌گیری‌های علم عملی و مستندی را در مورد انواع متون آموزشی علمی ادبی و عمومی به دست داد. (ابوالحسنی و میرمالک ثانی، ۱۳۷۸: ۱۳۰) تحلیل متون دینی و اسلامی با نظریه‌های جدید زبان‌شناسی راهی را هموار می‌کند تا زیبایی‌های نهفته در این متون فاخر متجلی شود و از رازهای تاثیرگذاری آنها بر مخاطب به طریق علمی و مستدل گشوده گردد. زبان‌شناسان مسلمان و البته (غیر مسلمان) نیز نگاه ویژه‌ای به قرآن ادعیه و کتب مقدس اسلامی داشته، به طوری که ماحصل آن مکاتب مختلف زبان‌شناسی چون مصری بصری، کوفی و شاخه‌های متعدد زبان‌شناسی چون فقه، علم اللغة و علم اللسان و... بوده است. (عرب زوزنی، ۱۳۹۴: ۳)

مطالعات جدید زبان‌شناسی فرصتی ایجاد کرده است تا تحلیل متون با رویکرد علمی در حیطه مد نظر قابل اعتماد تر و مستندتر جلوه کند. خطبه‌ی حضرت فاطمه (س) در مسجد مدینه از نظر محتوایی و از جهت غنای مفهومی، اصالت و استواری کلام در ردیف خطبه‌های قابل ملاحظه ادبی است. پژوهش حاضر با عنایت به فرانقش اندیشگانی هالیدی سعی کرده است تا عوامل مؤثر زبانی و لطایف گفتاری موجود در خطبه رابه شکل مستند و علمی مشخص نماید و بیان کند کدام فرایندها کاربرد بیشتری در بیان معانی مقصود را خطبه داشته اند با بررسی فرآیندهای شش‌گانه و تحلیل ساختاری مندرجات هر فرآیند تجارب، تفکرات، ذهنیات کلام با هیات خطیب و اثر انگیزشی و ساختار مذکور بر مخاطب مشخص خواهد شد.

۱-۱. پیشینه ی پژوهش

خطبه ی فدکیه حضرت فاطمه (س) به واسطه ی فصاحت، بلاغت و تاثیر گذاری آن همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. بررسی ها نشان می دهد که عمده مطالعاتی در مورد خطبه حضرت زهرا (س) انجام شده است. در این حیطه زیبایی های زبانی این اثر فصاحت، بلاغت، تحلیل گفتمانی و تفسیر قرآنی آن بوده است. از آن جمله مقالات می توان به موارد زیر اشاره کرد.

قنبری و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله ای به «تحلیل و بررسی زیباشناسی خطبه فدکیه حضرت زهرا (س)» پرداخته اند. هدف نویسندگان، تبیین زیباترین ترکیب ها، عبارات و تصاویر بوده است.

ریعان (۱۳۹۵) در مقاله «خطبه فدکیه؛ تفسیری بر آیات قرآن کریم» با استناد آیات قرآن به بیان تصرف کردن با جبر و مظلومیت و حقانیت ائمه (ع) پرداخته است. نویسنده بیان کرده است که هدف از استناد های قرآنی القای مقصود به صورت منطقی ترین و استوار ترین استدلال های آیات کریمه بوده است.

صیادی نژاد و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل گزاره های پرسشی خطبه فدکیه بر اساس نظریه سرل» به بررسی خطبه حضرت زهرا (س) پرداخته اند. هدف نویسندگان، بیدار نمودن وجدان ها، واداشتن مخاطب به اندیشه و انتخاب آگاهانه بوده است.

رضایی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «تحلیل فرانش اندیشگانی خطبه حضرت زینب (س) براساس دستور نقشگرای هلیدی» با استناد به آیات قرآن به بررسی خطبه حضرت زینب (س) پرداخته اند. هدف نویسندگان، دریافت و تعیین فرایند زبانی خطبه، پیام رسان نهضت کربلا، سعی در روشنگری مردم و افشای حقایق رخ داده می باشد.

خوش فر و همکاران (۱۴۰۲) به تبیین و تفحص «کشف روابط بینامتنی و اسالیب بلاغی خطبه فدکیه با تکیه بر دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته اند. نویسندگان به این نتیجه رسیده اند که اسالیب بلاغی با اهداف توان بخشیدن به کلام، توان بخشیدن به کلام و بالا بردن زیبایی و تازگی سخن برای تاثیر گذاری بیشتر کلام بر مخاطبان بوده است.

اما در حیطه نظریه هلیدی، در سوره های قرآن، مقالات متعددی نوشته شده که کارایی نظریه هلیدی در ترسیم انسجام متنی و واژگانی سوره های قرآن را مورد بررسی قرار داده اند اما به دلیل جلوگیری از اطناب از ذکر آن ها خودداری می شود با توجه به اینکه تاکنون مقاله ای به تحلیل خطبه حضرت فاطمه (س) از دیدگاه نظریه نقشگرای هلیدی نپرداخته است، ضرورت انجام این پژوهش احساس میشود.

۲. بحث و بررسی

۱-۲. نظریه هلیدی

در زبان‌شناسی نظریه قرن بیستم سه رویکرد عمده وجود دارد که عبارتند از: زبان‌شناسی صورتگرا زبان‌شناسی نقش‌گرا و زبان‌شناسی شناختی هر یک از رویکردها خود شامل زیر مجموعه‌هایی می‌شود. زبان‌شناسی شناختی که فصل مشترک آن‌هاست به ترتیب عبارت است از: تلقی زبان به عنوان نظامی ساخت بنیان و ریاضی‌گونه نظامی برای ایجاد ارتباط و نظامی شناختی (دبیر مقدم، ۱۳۷۸: ۱۳) به بیان دیگر این سه نگرش در واقع سه رویکرد به زبان هستند. به این معنی که از سه منظر مختلف زبان را تعریف نموده و مورد مطالعه قرار داده‌اند. صورت‌گرایان به ساختار زبان و روابط منطقی زبان بدون توجه به معانی آن تاکید دارند ولی نقش‌گرایان مطالعه متن و گفتمان را محور کار قرار می‌دهند و به زبان به عنوان یک پدیده اجتماعی می‌نگرند. زبان‌شناسی نقش‌گرا یکی از رویکردهای نظری در زبان‌شناسی می‌دانند، که در برابر زبان‌شناسی صورتگرا در دوران معاصر توانسته است از تحلیل متون به خوبی برآید موفقیت الگوی نقش‌گرایی مایکل هالیدی در این زمینه قابل ملاحظه است. (آقا گل زاده، ۱۳۸۴: ۲) هلیدی زبان و بافت آن محصول موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌داند او برخلاف چامسکی زبان را پدیده‌ای ذهنی نمی‌داند بلکه به عقیده او زبان پدیده اجتماعی و در معرض تغییر و تبدیل است. این نکته اساس زبان را می‌سازد چرا که موجود اجتماعی و در معرض اجتماع دائم در حال تغییر است و گوناگونی و تنوع را می‌پذیرد (هلیدی، ۱۳۹۳: ۱۱)

در نظریه هالیدی معنا محور اصلی است رفتار اندیشه و ایدئولوژی گوینده در قالب زبان بیان شده و به مخاطب انتقال می‌گردد. هلیدی در این نظریه تلاش می‌کند از سطح مطالعات جمله و مطالعات نحوی فراتر رود و به مفهوم متن شکل‌گیری زبان متن، بافت متن و عوامل داخل شده در آن بپردازد. (سجودی، ۱۳۹۰: ۹۶)

هلیدی معنای بندهای زبانی را به صورت سه لایه معنایی در چارچوب فرنقش‌های سه گانه اندیشگانی، تجربی، انفرادی و متنی تبیین می‌کند. فرانقش‌اندیشگانی یا تجربی به آن بخش از معنا مربوط است که حاصل ارتباط ما با جهان بیرون و تجربه حاصل از آن است. (امینی، ۱۳۹۱: ۷) هلیدی تاکید دارد که زبان همیشه از این سه فرانقش بهره می‌برد و هیچ سلسله مراتب خاصی میان آنها برقرار نیست و هر یک از سه فرانقش‌ها همچنین نقشی کلیدی در بسته گستره نشانه‌شناسی اجتماعی نظریه زبان پدیده‌ای ایفا کرده‌اند. (لیوون، ۱۳۹۵: ۱۶۱) در نظریه نقش‌گرای هالیدی شش فرایند در زبان ایفای نقش می‌کند که سه مورد از آنها فرایند اصلی و سه مورد دیگر فرایندهای فرعی است. فرایندهای اصلی عبارت‌اند از: فرایندهای مادی، ذهنی و ربطی و فرایندهای فرعی عبارت‌اند از: فرایندهای رفتاری، بیانی و وجودی است. فرایندهای فرعی دارای برخی ویژگی‌های دو فرایندی اصلی مجاور خود هستند به طوری گاه تشخیص و بازشناسی آنها از فرایند مجاور اصلی

مشکل می‌شود. (حق بین، ۱۳۸۲: ۱۲۴) بی‌گمان با استفاده از این فرایندها بررسی و تحلیل دقیق جمله آسان و سهم می‌شود و در نهایت راهی را برای دریافت و گشایش عمیق مفاهیم اصلی متن فراهم می‌کند.

۳. بررسی خطبه حضرت فاطمه (س) از دیدگاه هلیدی

خطبه حضرت فاطمه (س)، با توجه به مضمون، محتوا، بافت موقعیتی و جنسیتی دارای ویژگی‌هایی است که بر اساس دیدگاه هلیدی ابعاد نهفته‌اش بارزتر و واضح‌تر خواهد گردید. این تحلیل کمک می‌کند تا قابلیت‌های ادبی خطبه به شکلی مستدل و مستند نمایانده شود. زبان‌شناسان متن را یک نظام بسته نمی‌دانند. بلکه معتقد به رابطه میان متن و محیط هستند. (نبی‌لو، ۱۳۹۲: ۱۱۵). مفاهیم بکر، صلابت و قوتی که در این خطبه ملاحظه می‌شود، حاصل تأثیر عمیق و مستقیم بافت موقعیتی و اقتضائات زمانی و مکانی بر ذهن و زبان گوینده خطبه است. این مقتضیات، در جهت دهی تفکر خطیب و ساختار زبانی او اثر قابل توجهی داشته است. خطبه‌ی فدک حضرت فاطمه (س) سرشار از معارف عمیق الهی، بیان واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی و افشای ماهیت دون مدعیان مخالفان اسلامی بود. این خطبه فراخور اتفاقات رخ داده، مخاطب و فضایی که بر آن حاکم بود، اسلوبی خاص را می‌طلبد که «می‌توان اسلوب برهان و استدلال همراه با مقداری عاطفه را مناسب با موقعیت آنها دانست». (روشنفکرو محمدی، ۱۳۸۸: ۱۳۴) در مورد اصل خطبه حضرت فاطمه (س) کتاب‌ها و سخنرانی‌های فراوانی موجود است که بر این امر مهم تأکید می‌کنند ولی در این نوشته سعی شده با دیدی جدید و تازه به سخنان ایشان پرداخته شود. تا شاید بتوان گوشه‌ای از کلام فاخر را درک نموده و رازهای ناگشوده آن را فاش کرد.

((بررسی نقش اندیشگانی در زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند برای تحلیل نگرش نویسنده و نوع گزینش سبکی وی کارایی دارد.)) (فتوحی، ۱۳۹۲: ۱۴۹) هلیدی فرایندها را به سه گروه فرآیند اصلی شامل فرآیند مادی، فرآیند رابطه‌ای و فرآیند ذهنی و سه گروه فرآیند فرعی، شامل فرآیند رفتاری، وجودی، کلامی تقسیم کرده است. در بررسی و تحلیل فعل هابر اساس فرانقش اندیشگانی، می‌توان به کارکردهای زبان و جهان بینی گوینده پی برد و هدف و معنای وی را از گزینش و انتخاب واژگان درک نمود. در تحلیل خطبه، ابتدا فرآیند مادی با ساختارها و افعالی که متضمن این نوع فرآیند هستند، مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن فرایندهای دیگر تحلیل خواهند شد.

۳-۱. فرآیند مادی

فرآیند مادی شامل اتفاقاتی است که تجربه‌های خارج از ذهن هستند و بر انجام کاری و وقوع رخدادی دلالت می‌کند. نظیر ساختن، نوشتن، باز کردن و... (هلیدی، ۱۳۹۳: ۲۶) «در این نوع فرآیند، منبع انرژی به وجود آورنده تغییر شرکت کننده‌ای است که کنشگر نامیده می‌شود. کنشگر اغلب و نه همیشه، فاعل جمله است. البته باید توجه داشت که در جملات مجهول (به علت نامشخص بودن کنشگر اصلی) می‌توان از کنشگر صرف‌نظر کرد.» (نیازی، ۱۳۹۸: ۳۵) وقوع جنگ و تنش‌ها و پیامدهای آن با فعل‌هایی مانند گرفتن، کشتن، هتک حرمت کردن، نازل شدن، انتقام گرفتن و... بیان شده است. فعل‌هایی که دلالت بر معانی فوق دارند در فرآیند مادی قابل بحث هستند. ذکر فعل‌های این فرآیند مبین

"كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا رَوْفًا رَحِيمًا" در این جمله، کلمات "عطوفاً"، "کریماً"، "رؤوفاً" و "رحیماً" به ترتیب در کنار هم قرار گرفته‌اند و رابطه هم‌نشینی دارند. این کلمات، صفات پیامبر (ص) را بیان می‌کنند و در توصیف شخصیت ایشان نقش دارند.

در ادامه خطبه، حضرت فاطمه (س) با استفاده از رابطه جانشینی، به بیان جایگاه خود و اهل بیت (ع) در اسلام می‌پردازد: "وَكُنْتُ بَدْرًا وَنُورًا" در این جمله، کلمه "بدر" جانشین کلمه "نور" شده است و به نوعی، هم‌معنا یا مرتبط با آن است. این دو کلمه، جایگاه والای پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را در هدایت و روشن‌گری جامعه بیان می‌کنند. همچنین، در بخش‌های دیگر خطبه، حضرت زهرا (س) با استفاده از رابطه تقابلی، به بیان تضاد بین حق و باطل، عدل و ظلم، و هدایت و گمراهی می‌پردازد. برای مثال، در جمله زیر:

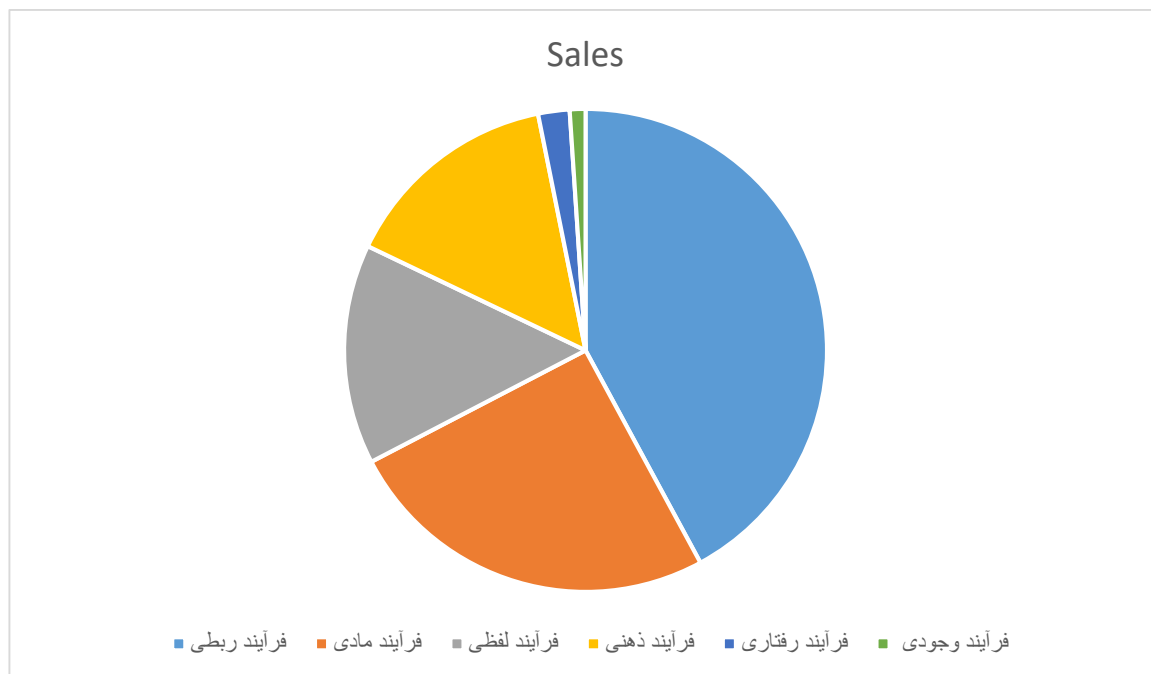
"وَأَنْحَلَّتْ عَقْدُ الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ وَخَرَسَتْ شَفَاقُ الشَّيَاطِينِ" کلمات "أَنْحَلَّتْ" و "خَرَسَتْ" در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند و رابطه تقابلی دارند. این دو کلمه، پیروزی حق و نابودی باطل را بیان می‌کنند. خطبه فدکیه از دیدگاه بعد فرآیند ربطی در نظریه هلیدی، نشان می‌دهد که این خطبه، نه تنها از نظر محتوا و بلاغت، بلکه از نظر ساختار زبانی نیز بسیار غنی و پیچیده است. حضرت فاطمه زهرا (س) با استفاده از انواع روابط هم‌نشینی، جانشینی و تقابلی، به بیان منظور خود و تأثیرگذاری بر مخاطبان پرداخته است. این خطبه، نمونه‌ای بارز از قدرت زبان در بیان احساسات، اندیشه‌ها و اعتقادات است.

۳-۶. فرایند وجودی.

فرایند وجودی، مرز بین فرایند رابطه‌ای و مادی است و بر افعالی مانند وجود داشتن و رخ دادن دلالت می‌کند. (این فرایندها از این جهت که گویای اتفاق و حادثه‌ای هستند نزدیک به فرایند مادی اند و از دیگر سو چون بیانگر وجود و یا بودن چیزی اند به فرایند رابطه‌ای می‌ماند تنها شرکت کننده در فرایند وجودی عنصر موجود است که از لحاظ ماهیتی، شخص، شیء، اتفاق یا مفهومی انتزاعی می‌تواند باشد. اگرچه فرایند وجودی در گفتمان کمتر اتفاق می‌افتد، اما در متون بسیار دیده می‌شود.) (مجیدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۱) در متن خطبه به دشواری می‌توان نمونه‌های برای فرایند وجودی یافت. البته شاهد مثال ذکر شده را میتوان فرآیند ربطی نیز محسوب کرد. شایان ذکر است که این فرایند در متون داستانی و روایتی بسامد بیشتری دارد.

او لست انا و ابي من اهل مله واحده		بسامد هر فرآیند
وجود	فرایند وجودی	
من اهل مله واحده	لست	

نشان دهنده هدفی است که در متن خطبه نهفته است. بسامد پایین این فرآیند مؤید این نکته است که در متون گفتمان محور این فرآیند کارایی کمتری دارد. حضور این فرایند اغلب در جهت عینیت بخشی به فرآیند اصلی است.



جدول فراوانی فرایندهای فرانقش اندیشگانی در خطبه

با دقت در متن خطبه فدکیه و درک ارتباط آن با جامعه های که متن در بافت آن ایجاد شده است، میتوان به کارکرد و معنای اجتماعی خطبه دست یافت. انتخاب فرایندهای فعلی توسط حضرت فاطمه (س) فدکیه، به طور نظام مند متأثر از واقعه فدک است. بین فرایندهای فعلی به کاربرده شده در خطبه و چارچوب اجتماعی، فرهنگی زمان ایراد خطبه رابطه نزدیکی وجود دارد و بدسته بندی فرایندها جهان بینی، تجارب و تفکرات گوینده آشکار شده است.

نتیجه

نوع فرایندهای به کار گرفته شده در متن خطبه، براساس نظریه نقشگرایی هلیدی، تناسب معناداری بین بافت موقعیتی متن و چینش فرایندها نشان می دهد. مندرجات گفتاری و زبانی که در این خطبه تحلیل شد، نشان میدهد که خطبه یکی از

مستدل ترین و منطقی ترین نمونه هایی است که قابلیت بحث از ابعاد مختلف زبانشناسی را داراست. تحلیل، بیان کننده ی آن است که چینش فرایندها امری اتفاقی و لحظه ای نبوده است. بلکه هرفرآیند به تناسب مقصود، متضمن القاءات معنایی مناسب خود بوده است.

همراه کردن پی درپی فرآیندهای ربطی، بیان کننده ی سعی و تلاش خطیب در واقعیت و عینیت بخشی وقایع فدک و حوادث بعد از آن است. فعل های فرایند ربطی در بعد ساختاری و زبانی، مدلول معنایی شان را بر بسته ساخته اند تا هماهنگی بین کارکرد ساختاری و مفهوم خطبه، واقعی و مؤثر نمایانده شود. فعل های فرایند ربطی همگی در توصیف وضعیت و شرایطی هستند که پس از رحلت پیامبر(ص) به وجود آمده است. فزونی فرایند ربطی، نشان دهنده اهمیت واقعه های است، که رخ داده است. حضرت فاطمه فاطمه (س) با استفاده از انواع روابط هم نشینی، جانشینی و تقابلی، به بیان منظور خود و تأثیرگذاری بر مخاطبان پرداخته است.

فرایند مادی، در جایگاه دوم قرار دارد. این فرآیند بیشتر، با خطاب مستقیم و استنادات حدیثی و روایی سعی و تلاش در معرفی عامل اصلی واقعه فدک دارد. نقل قول های حدیثی و روایی که در طول خطبه، مکرر به آن استناد میشود، به متن قوت داده است. گزینش و انتخاب هوشمندانه احادیث و روایات فراخور موقعیت و فضای غالب بر مکان بوده است. زیرکی و کیاست خطیب، بر اساس احادیث و روایات، چهره های مسببان واقعه را ارائه نموده است.

فرایند لفظی در رتبه سوم قرار دارد. در این فرایند بیشتر، با خطاب مستقیم و استنادات قرآنی سعی و تلاش در معرفی عامل اصلی واقعه فدک دارد. نقل قول های قرآنی که در طول خطبه، مکرر به آن استناد میشود، باعث وسع بخشیدن به متن می شود. انتخاب و گزینش هوشمندانه آیات قرآن با توجه به موقعیت و فضا بوده است. زیرکی و کیاست حضرت فاطمه (س)، بر اساس آیات قرآن چهره ی واقعی مسببان را ارائه نموده است.

فرایند ذهنی بیانگر فکر، اندیشه، احساسات و جلوه ی درون دنیای حضرت فاطمه(س) است. کنش ها در فرآیند ذهنی اغلب به قصد اقناع مخاطب، به کار گرفته شده اند. عبارات متناسب افرایند ذهنی به کار رفته و جملات دنباله ی آن، بیانگر این است که گوینده، بر جنبه ی تصحیح هشدار تفهیم و تغییر باور های مخاطب توجه و اهتمام نموده است. گزینش و انتخاب افعال در فرایند ذهنی مخاطب، اهتمام دادن مسبب واقعه ی فدک به خطای فکری نادرست و ناروایی است که او را به چنین اقدام خطیری روا داشته است. استفاده از خطاب مستقیم و افعال امر، همه به جهت قدرت انگیزشی قوی آن ها برای تأثیرگذاری بر فکر و اندیشه مخاطب بوده است.

منابع

۱- قرآن کریم.

منابع فارسی

- ۲- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان انتقادی؛ چاپ دوم تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳- ابوالحسنی، زهرا و مریم السادات میر مالک ثانی. (۱۳۷۸). ((بررسی کتب های درسی دانشگاهی بر اساس نظریه نقش گرای نظام مند هالیدی و مقایسه آن با متون غیر درسی))؛ سخن سمت، شماره ۲۰، ص ۱۲۹-۱۴۳.
- ۴- امینی، رضا. (۱۳۹۱). ((تحولات معنایی و ساخت اطلاع آغاز گر های اسنادی))، فصلنامه جستارهای زبانی، ۴، ش ۴، صص ۱-۲۹.
- ۵- تولان، مایکل. (۱۳۸۶). روایت شناسی؛ درآمدی زبان شناختی-انتقادی؛ ترجمه سیدفاطمه علوی وفاطمه نعمتی، تهران: سمت.
- ۶- حق بین، فریده. (۱۳۸۲). بررسی صوری نقشی و شناختی تعدی در زبان فارسی، پایان نامه دوره دکتری زبان و ادب فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۷- دبیر مقدم، محمد. (۱۳۷۸). زبان شناسی نظری (پیدایش و تکوین دستور زایشی)؛ تهران: انتشارات سخن.
- ۸- روشنفکر، کبری و دانش محمدی. (۱۳۸۸). ((تحلیل گفتمان ادبی خطبه ی حضرت زینب (س) سفینه، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۲۷-۱۴۹.
- ۹- سارلی، ناصر قلی و طاهره ایشانی. (۱۳۹۰). ((نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان کمینه فارسی (قصه نردبان))) دوفصلنامه زبان پژوهشی. س ۲، ش ۴، صص ۵۱-۷۷.
- ۱۰- سجودی، فروزان. (۱۳۹۰). نشانه شناسی کاربردی؛ تهران: انتشارات علم.
- ۱۱- عرب زوزنی، محمدعلی و محمد رضا پهلوان نژاد. (۱۳۹۴). ((بررسی ساختار گذرایی در خطبه ۲۰ هفتم نهج البلاغه بر اساس فرا نقش تجربی نظریه نقش گرا)) فصلنامه پژوهشی پژوهش نامه نهج الباغه، سال سوم، شماره ۹، ۱-۲۶.
- ۱۲- غفاری مهر. (۱۳۸۳). بررسی دو مجموعه از کتاب های آموزش زبان فارسی از دیدگاه نظری نقش گرایی هالیدی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۳- فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). سبک شناسی، نظریه، رویکردها و روش؛ تهران: انتشارات سخن.
- ۱۴- لیوون، تئوون. (۱۳۹۵). آشنایی با نشانه شناسی اجتماعی؛ ترجمه محسن نوبخت، تهران: انتشارات علمی.

- ۱۵- مجیدی، فاطمه و دیگران. (۱۳۹۳). ((بررسی ویژگی های سبکی کشف المحجوب با رویکرد نظریه انتقادی در چهار چوب دستور نقض گرای هلیدی)) پژوهش های ادبی عرفانی (گوهر گویا)، سال هشتم، سال دوم، پیاپی ۲۷، ۱۵۶-۱۲۳.
- ۱۶- نبی لو، علیرضا (۱۳۹۲). « بررسی و تحلیل دوغزل از خاقانی و حافظ بر مبنای نظریه بر مبنای نظریه نقش گرای سیستمی»؛ زبان و ادب فارسی، سال ۶۶، شماره ۲۲۷، بهار و تابستان، ۱۳۵-۱۱۳.
- ۱۷- نیازی، شهریار و زینب قاسمی اصل. (۱۳۹۷). تحلیل زبان شناختی متون عرب (با تکیه بر دستور نقش گرای هلیدی)؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران.